

خانواده و شکوفایی ارزش های اخلاقی

<?xml encoding="UTF-8">

انسان، موجودی است کمالگرا و هدفمند که از سرگشتگی، گریزان است. روزمرگی و پوچی او را ارضا نمی کند. از این رو اگر زندگی، معنا و هدفی نداشته باشد، زنده ماندن، ارزشی نخواهد داشت؛ هر چند تمامی امکانات زندگی هم فراهم باشد. علت نارضایتی و سردشدن زندگی، ناکامی در کسب رفاه نیست. زندگی ساده و حتی سخت را می توان دوست داشت، به شرط آن که معنای زندگی را درک کرده باشیم.

معنای زندگی را در بهترین وجه خود می توان در قالب خانواده ترسیم کرد. در نگاه اولیه، خانواده از دو نفر یا بیشتر تشکیل شده است که دارای نقش های معین در محیط خانوادگی هستند؛ مانند پدر، مادر، خواهر، برادر و... آنچه که خانواده را به عنوان اصلی ترین پایگاه و مهم ترین دانشگاه تربیتی و اخلاقی مطرح می کند چیزی فراتر از کمیت افراد خانواده و نقش های آنهاست. و آن در واقع چیزی نیست بجز کارآمدی نقش های افراد و نحوه استفاده بهینه از ظرفیت های وجودی به منظور ایجاد ارتباطی گرم و پایدار.

به خوبی روشن است که چرا نهاد خانواده در ادیان بزرگ الهی (بخصوص اسلام) از جایگاه والا و حساسی برخوردار است؛ چرا که اگر این نهاد مقدس بتواند از کمال ظرفیت وجودی خود بهره ببرد و خود را به باروری کامل برساند، اجتماع نیز از نیروی عظیمی بهره مند می شود. در این صورت می توان در انتظار شکل گیری نیروی قدرتمند اخلاقی در جامعه بود، تا بشر امیدوارانه تر از گذشته، به آینده خود بنگرد.

اگر خانواده نتواند به هدف نهایی و کمال مطلوب خود برسد و یا حتی کارکردی ضد اخلاقی و مغایر با اصول تربیتی داشته باشد، در خوش بینانه ترین حالت هم نمی توان چشم امیدی به آینده داشت.

خانواده، نقطه آغاز شکوفایی ها

با شناخت اجمالی ای که از کارکردهای مثبت و منفی خانواده ارائه شد، اهمیت این نهاد در پژوهش و شکوفایی ارزش های اخلاقی، به خوبی نمایان می شود؛ اما این که چگونه می توان خانواده ای را برای شکوفایی اخلاقی مستعد دانست؟ و یا این که چه عواملی برای ایجاد محیطی مستعد در خانواده به منظور شکوفایی ارزش های اخلاقی لازم است؟ پاسخ به این پرسش ها در این نوشتار خواهد آمد. هم چنین نقش جامعه را در پیدایی یا بروز چنین خانواده هایی مورد بررسی قرار خواهیم داد. نکته دیگری که بدان خواهیم پرداخت، پرورش استعدادها و تربیت اخلاقی و به کمال رساندن درون داده های شخصیتی است که فقط می تواند در کودک، به غایت مطلوب خود برسد.

با توجه به اهمیت انکارناپذیر دوران کودکی، بیشترین اثر بخشی در زمینه تعلیم و تربیت و شکوفایی اخلاقی و شخصیتی و پی ریزی اصول و موازین عُرُفی و اجتماعی فقط در این مقطع زمانی، مجال ظهور می یابد. پر واضح است که اگر پدران و مادران و مربیان مراکز آموزشی، این مقطع زمانی حسّاس را با سهل انگاری پشت سر بگذارند، به سختی می توان آن کودک را در آینده از لحاظ تربیتی و اخلاقی، به هنجار دانست.

مسئولیت های انسانی

همه ذرات عالم ، مسئولیتی معین دارند و به خود رها نشده اند. از ستارگان و کهکشان های غول پیکر و نامتناهی گرفته تا ذرات بنیادین هستی مانند پروتون و نوترون، همه صاحب هدفی نهایی و کمالی مطلوب اند و وظایف مشخص خود را انجام می دهند. در عالم مجردات نیز این گونه است. هر یک از ملائکه، وظیفه ای ویژه بر عهده درند و در حرکت عالم آفرینش مؤثرند.

انسان که گل سرسبد عالم آفرینش است، مسئولیت سنگین تری بر عهده دارد. برخلاف سایر موجودات ، که مسئولیتی جبری را عهده دار هستند و بر حسب تکوین (خلقتشان) به وظایف خود می پردازند ، انسان در انجام دادن کارها مختار آفریده شده است. خداوند در قرآن می فرماید : «ما راه را به او نشان دادیم ، خواه شاکر باشد یا ناسپاس»¹.

به طور کلی، انسان سه نوع وظیفه بر عهده دارد:

1. مسئولیت عبادی : این وظیفه میان خود و خداست و چنانچه در انجام دادن آن کوتاهی شود، انسان از حوزه عبودیت خدا خارج می شود.
2. مسئولیت فردی : که خود بر دو قسم است : الف. وظیفه ای که انسان نسبت به اعضا و جوارح خود دارد؛ ب. وظیفه ای که انسان نسبت به بُعد معنوی و روحی خویش دارد که البته بسیار وظیفه سنگینی است. چنانچه روح بیمار شود، تمام افعال آدمی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و اگر این بیماری ، عروج و معنویت بشر را بمیراند ، انسان، مصداق این آیه شریفه می شود : «قطعا بدترین جنبنندگان نزد خدا کران و لالانی اند که نمی اندیشند» . 2
3. مسئولیت اجتماعی : منشأ این مسئولیت یا وظیفه ، طبیعت اجتماعی انسان است و تکامل او وامدار این صفت است؛ چنان که بدون حضور در میان اجتماع ، پیمودن راه تکامل برایش میسر نیست. مسئولیت های اجتماعی انسان به دو گروه تقسیم می شود : الف. وظایفی که مربوط به خانواده است و به آن تدبیر منزل می گویند؛ ب. وظایفی که عمومی است و انسان ها نسبت به یکدیگر دارند.

مسئولیت خانواده

مسئولیت خانواده، بسیار سنگین و حساس است و همسررداری و تربیت فرزند ، از آیین ها و احکام ویژه ای برخوردار است. هر یک از ارکان خانواده وظایفی دارند. تنها با انجام دادن این وظایف متقابل است که کانون خانواده، همواره گرم و سالم و از لحاظ پرورش اخلاقی، پویا و مؤثر خواهد ماند. اگر در انجام دادن وظایف یاد شده، کوتاهی شود ، موجب گسیخته شدن کانون گرم خانواده می شود. خداوند متعال در قرآن می فرماید : «زیان کاران در حقیقت ، کسانی اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده اند. آری، این همان خُسران آشکار است».³

اهمیت خانواده

خانواده ، گروه کوچکی است که از زن و شوهر و فرزند یا فرزندان تشکیل می شود. عضو خانواده بودن یعنی در نوعی شبکه عاطفی سهیم شدن ، به یک گروه اجتماعی تعلق داشتن ، تاریخ مشترک داشتن و به محیط زندگی خاصی عادت کردن. اهمیت خانواده نیز به خاطر همین دستاوردهاست. خانواده، نخستین محیطی است که

شخصیت کودک را شکل می دهد. خود این محیط در محیط گسترده تری به نام فرهنگ جای می گیرد. پس خانواده به شدت از فرهنگ، تأثیر می پذیرد.

خانواده از این نظر نیز اهمیت دارد که محل انتقال سنت ها ، باورها و انواع شناخت هاست؛ از شیوه غذاخوردن تا افکار سیاسی. خانواده از طریق اجتماعی بارآوردن کودک ، میراث فرهنگی آماده و تجربه شده به وسیله نسل های گذشته را در اختیار کودک می گذارد. همچنین برای او جهان بینی خاص و دنیای خاصی فراهم می آورد. با خانواده است که کودک، نخستین گام های اجتماعی شدن را بر می دارد و در نهایت به موجودی کاملاً اجتماعی تبدیل می شود. خانواده در ابتدا نام و نشان خود را به کودک انتقال می دهد و بدین وسیله، او را در شبکه ای از خویشاوندی قرار می دهد که چند نسل را در بر می گیرد. بنا بر این ، خانواده اولین هویت اجتماعی فرد را فراهم می آورد. موقعیت اجتماعی والدین است که موقعیت اجتماعی کودک را در بیست سال اول زندگی تعیین می کند. محل سکونت خانواده ، بافت های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کودک را مشخص می کند. سرانجام ، شغل والدین ، کودک را در طبقه اجتماعی معینی جای می دهد.

کودک، شیوه رفتار والدین با یکدیگر را مشاهده، می کند. او از طریق مشاهده ، ارزش هایی را یاد می گیرد؛ مانند احترام به دیگران ، تحمل ، تحقیر ، خوش بینی ، بدبینی ، نماز خواندن ، مردم آزاری و . . . کودک در محیط خانواده یاد می گیرد که دیگران از او به عنوان دختر یا پسر، چه انتظاری دارند . همچنین او با مشاهده این الگوهای بزرگ سالان، یاد می گیرد که کدام فعالیت ها و رفتارها به زنان و کدام به مردان اختصاص دارد. آن گاه او به کارهایی می پردازد و رفتارهایی را تقلید می کند که برای جنس او تعیین شده است و او اجازه انجام دادن آنها را دارد.

بنا بر این ، تقلید از الگو ، به کودک اجازه می دهد که رفتارها و نگرش های مناسب با هویت جنسی و در نتیجه، مناسب با انتظارات محیطی را که در آن متحول می شود ، یاد بگیرد. به خوبی روشن است که اگر الگوهای تقلیدی کودک و خانواده ، الگوهای مناسب و سالمی نباشند ، کودک را با چه چالشی روبه رو خواهند ساخت. سقوط ارزشی و اخلاقی در همین بستر پی ریزی می شود. نظام ارزشی ناسالم ، که شامل خانواده و افراد مرتبط با آن است ، مانند تلویزیون ، دوستان ، بستگان و . . . ، وقتی الگوهای ذهنی اولیه کودک را تشکیل دهند ، به راحتی می توان آینده نه چندان دور آن کودک را مجسم کرد که دچار چه مشکلات روحی و روانی و از همه مهم تر، اخلاقی ای خواهد شد.

اشخاصی که در خردسالی و کودکی از محبت های خانوادگی محروم می مانند ، به شدت احساس افسردگی می کنند. تحقیقاتی که در 49 فرهنگ بسته متفاوت و روی زندانیان انجام گرفته ، این نتیجه گیری را ممکن ساخته است که محرومیت کودک از نوازش ، عامل بنیادی در رشد : بیگانگی عاطفی ، روان پریشی ، تجاوز ، پرخاشگری و حتی سوءاستفاده از مواد مخدر و الکل است. والدین با دریغ کردن نوازش های جسمی از کودکان ، فرزندان به اجتماع تحویل می دهند که در ایجاد رابطه با دیگران ناتوان می مانند4 و حتی برای انجام دادن رفتارهای خشن و خلاف اصول اخلاق ، آمادگی نشان می دهند.

نبود عشق و محبت در طول سال های نخستین زندگی و در دراز مدت، آثار منفی ای در پی دارد و از این روست که پیامبر (ص) می فرماید : «کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید». 5

احتمال دارد شما نیز به خانواده ای تعلق داشته باشید که اعضای آن با یکدیگر خیلی سرد و از نظر ابراز محبت، بسیار خسیس بوده اند. احتمال دارد که در کودکی فراموش شده باشید یا با شما بدرفتاری شده باشد. در این

صورت، ممکن است با برخی دشواری ها روبه رو شوید و غلبه بر آنها برای شما مشکل باشد.

ایجاد روابط خانوادگی محکم

اجتماع امروزی با واقعیت بسیار مهم و غم انگیزی به نام شکاف بین نسل ها روبه روست. بیشتر والدین قبول دارند که فرزندان خود را خوب نمی شناسند و روابط آنها با یکدیگر مثل روابط بیگانگان است. حتی برخی معتقدند که این شکاف، روز به روز عمیق تر و فاجعه آمیزتر می شود. در احادیث و روایات به نقل از معصومان (ع) نیز بر پویایی و همگرایی اعضای خانواده به منظور جلوگیری از انحطاط خانواده و یا به سردی گراییدن ارتباطات خانوادگی، بسیار تأکید شده است، چنان که پیامبر (ص) می فرماید: «نشستن مرد پیش زن و فرزندش نزد خداوند، محبوب تر است از اعتکاف در این مسجد من». 6

به نظر می رسد که در دوره خردسالی، والدین به فرزندان خود نزدیک هستند، اما به هنگام نوجوانی و جوانی، فاصله، روز به روز بیشتر می شود. در نتیجه نوجوانان با والدین خود نه تنها همراهی نمی کنند، بلکه به مخالفت بر می خیزند. بسیاری از پدران و مادران سعی می کنند، آنچه را که از نظر خوراک، پوشاک و مسکن برای فرزندان خود مناسب می دانند فراهم آورند. آنها همیشه به این فکر هستند که خوش بختی و امنیت فرزندان خود را تضمین کنند، اما در اغلب موارد، تنها به مسائل مادی و رفاهی فرزندان می اندیشند و از تربیت اخلاقی آنها غفلت می ورزند و برای برطرف ساختن نیازهای روانی و پرورش اخلاقی خانواده خود، وقت و انرژی لازم مصرف نمی کنند. اما صادق (ع) در این رابطه می فرماید: «بهترین ارثی که پدران برای فرزندان باقی می گذارند، ادب است، نه ثروت». 7

آیا تا به حال از خود سؤال کرده ایم که چرا کودکان، این مقدار در پای تلویزیون می نشینند؟ و فراوان از آن خوب یا بد، فرا می گیرند؟ چرا که تلویزیون، از موضع نصیحت آمیز با کودکان سخن نمی گوید، آنها را مثل سایه دنبال نمی کند، دستور نمی دهد و به انجام دادن کارهای خانه مجبور نمی کند.

برنامه های تلویزیونی، برای جلب توجه کودکان و ارضای نیازمندی های روانی آنها، از هیچ تلاشی فروگذار نیست و در نتیجه، کاملاً موفق است، در صورتی که برخی پدران و مادران، برای ایجاد تماس مستقیم و عاطفی با فرزندان، تلاش چندانی نمی کنند و پس از آن که فرزندان، مطابق میل آنها بار نیامدند، در تعجب فرو می روند و آه و ناله سر می دهند که روزگار عوض شده است، بچه ها بی تربیت شده اند، نه پدر می شناسند، نه مادر و نه بزرگ تر! در حالی که همین پدران و مادران می توانستند با قرار دادن خود به عنوان الگویی شایسته و خوب، ابراز علاقه و نثار کردن بی قید و شرط عشق خود به فرزندانشان و آموزش صحیح آنها، به زندگی سرشار از آرامش و شادکامی دست یابند.

شکوفایی ارزش های اخلاقی در گرو تعلیم و تربیت

آنچه که نقش خانواده را در شکوفایی ارزش های اخلاقی برجسته می سازد، تعلیم و تربیت فرزندان است. امام علی (ع) می فرماید: «به خود و خانواده خود، خوبی بیاموزید و آنان را تربیت کنید». 9

این امر، تحت تأثیر سه عامل مهم قرار می گیرد: مسئولیت پذیری و سلامت روانی خود پدران و مادران، شخصیت فرزندان، و محیط.

اگر والدین از نظر روانی، مشکل داشته باشند حتماً فرزندان نیز دچار مشکل روحی - روانی خواهند شد. بر اساس آمار، 66% کودکان مسئله دار امریکایی به مادرانی تعلق دارند که از اختلال های روانی رنج می برند و 47% کودکان مسئله دار در خانواده هایی هستند که تنها پدر، اختلال عاطفی دارد. اما وقتی پدر و مادر، هر دو دچار اختلال روانی هستند، در 72% موارد، کودکان آنها نیز دچار این اختلال خواهند شد. 10

ویژگی یا شخصیت فرزند نیز شیوه تعلیم و تربیت والدین را تعیین می کند. کودکانی که نافرمان، شلوغ و بی قرارند، به احتمال زیاد، رفتارهای خشونت آمیز والدین را بر می انگیزند.

محیط اجتماعی نیز می تواند بر شیوه تعلیم و تربیت اثر بگذارد. والدینی که از طرف بزرگان خانواده حمایت می شوند، والدینی که امنیت شغلی دارند و امنیت مالی و جانی نیز احساس می کنند، والدینی که در شبکه های اجتماعی وسیع صمیمی وارد می شوند، والدینی که تجربه های مثبت کسب می کنند و کمتر با استرس (فشار روانی) روبه رو می شوند، مسلماً با فرزندان خود، رفتار ملایم تری خواهند داشت.

شیوه های تربیت

البته برای تربیت کودکان نمی توان الگو ارائه داد. به اندازه انسان ها شیوه های تربیتی وجود دارد؛ اما روان شناسان همه این روش ها را به چهار گروه عمده تقسیم کرده اند و برای هر یک، پیامدهایی را بیان داشته اند. این شیوه ها عبارت اند از: آزادمنشی، قدرت طلبی، سهل گیری و بی مسئولیتی. تحقیقات نشان می دهد که شیوه آزادمنشی، فرزندان را خودمختار، مسلط بر خود، کنجکاو و راضی بار می آورد. برعکس، شیوه تربیتی قدرت طلبانه، کودکان را ناراضی در خود فرو رفته و بی اعتماد می کند. کودکانی که خودمختاری، کنجکاوی و تسلط بر خود ضعیف تری نشان می دهند به والدین سهل گیر تعلق دارند. بی بند و باری فرزندان و حتی خشونت خانوادگی را می توان از پیامدهای شیوه بی مسئولیتی دانست. 11

آگاهی والدین

پدر و مادر، زمانی به مسئولیت های خود آگاه می شوند که درباره تعلیم و تربیت فرزندان، اطاعات کافی داشته باشند. بدانند کودک در دوران پیش از تولد، به چه چیزهایی نیاز دارد، مادر باردار چگونه باید زندگی متناسب با بارداری را فراهم آورد، نیازهای کودکان در سنین مختلف رشد کدام اند و چگونه باید آنها را شناخت و برطرف کرد. والدینی که می خواهند به وظایف خود عمل کنند و در این کار موفق شوند، قبلاً باید با مطالعه کتاب های متعدد و کمک خواستن از افراد شایسته، اطلاعات خود را بالا ببرند و بر مسئولیت خود آگاه شوند و این نکته را نیز باید بدانند که همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر، زاده نشده اند. هر کسی باید از دیگران یاد بگیرد، چه با خواندن آثار دیگران و چه از طریق شنیدن و سخنان یا دیدن رفتار آنها.

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت، آنچه که ما از آن، تحت عنوان شکوفایی ارزش های اخلاقی و تأثیر خانواده بر آن یاد می کنیم، تحقق نخواهد یافت مگر با اصلاح اعضای خانواده، آموزش آنها و ایجاد محیطی گرم و پویا و صمیمی در خانواده.

پی نوشت ها :

1. سوره انسان ، آیه 3.
2. سوره انفال ، آیه 22.
3. سوره زمر ، آیه 15.
4. ر. ک : بهداشت روانی ، حمزه گنجی ، تهران : ارسباران ، 1379 ، ص 145.
5. الکافی ، ج 6 ، ص 49.
6. تنبيه الخواطر ، ج 2 ص 122.
7. (الکافی ، ج 8 ، ص 150).
8. کودک و تلویزیون ، بری گونتر و جیل مک آلر ، ترجمه: نصرت فتی ، تهران : سروش ، 1380 ، ص 41.
9. میزان الحکمه ، ج 400.
10. بهداشت روانی ، ص 259.
11. ر.ک : زمینه روانشناسی ، ریچارد اتکینسون و دیگران ، ترجمه: نقی براهنی و همکاران ، تهران : رشد ، 1375 ، ج2 ، ص 234 - 239.

منابع

1. اخلاق از نظر هم زیستی و ارزش های انسانی ، محمد تقی فلسفی ، تهران : هیئت نشر معارف اسلامی ، 1363.
2. الکافی ، محمد بن یعقوب بن السحاق کلینی رازی (م 329 ق) ، تحقیق : علی اکبر غفاری ، بیروت : دارالتعارف و دارصعب ، چهارم ، 1401 ق.
3. بهداشت روانی ، حمزه گنجی ، تهران : ارسباران ، سوم ، 1379.
4. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وژام)، ابوالحسن وژام بن اُبی فراس (م 605 ق) ، بیروت : دارالتعارف و دارصعب ، [بی تا].
5. خانواده در اسلام ، حسین مظاهری ، قم : شفق ، اوّل ، 1364.
6. زمینه روان شناسی، ریچارد اتکینسون و دیگران ، ترجمه: نقی براهنی و همکاران ، تهران : رشد ، 1375.
7. شرح نهج البلاغه ، ابن ابی الحدید (م 656 ق) ، تحقیق : محمد ابوالفضل ابراهیم ، بیروت : داراحیاء التراث ، دوم ، 1387 ق.
8. کودک از نظر وراثت و تربیت ، محمد تقی فلسفی ، تهران : هیئت نشر معارف اسلامی ، 1341.
9. کودک و تلویزیون ، بری گونتر و جیل مک آلر ، ترجمه : نصرت فتی ، تهران : سروش ، اوّل ، 1380.
10. میزان الحکمة ، محمد محمدی ری شهری ، قم : دارالحديث ، 1416 ق.